

فصلنامه دانش انتظامی سمنان ، دوره دوازدهم ، شماره چهل و پنجم ، پاییز ۱۴۰۱

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۸/۰۹

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۰۸/۲۸

صفحات: ۱۷۹ - ۱۵۹

بررسی تعامل پذیری پلیس و مردم با تاکید بر مأموریت پیشگیری از جرم، فراجا

نویسندگان :

مریم آقایی^۱، زهرا شمس‌زاد^۲ *

چکیده

در این مقاله با رویکردی توصیفی و تحلیلی روش اسنادی در پی این سؤال هستیم که آیا تعامل دوسویه فراجا با مردم در قالب رویکردها و مأموریت‌های پیشگیرانه از جرم امکانپذیر است. به نظر می‌رسد پاسخ این سؤال مثبت است چرا که وجود پلیس به عنوان یکی از بایستی ضروری در جوامع امروزی است که با نظم عمومی ارتباط مستقیمی دارد اکثر اقدامات پلیس نیز براساس یکسری ضروریات اولویت بندی شده و شکل می‌گیرد. در رویکردهای جدید مأموریت‌های فراجا تاکید بر مردمی بودن آن بسیار مورد تاکید فرماندهان آن واقع شده است. به نظر می‌رسد این تعامل پذیری اگر در حوزه‌های مأموریتی پیشگیرانه فراجا باشد ضمن اینکه راندمان کاری فراجا با هزینه بسیار کمتر به ثمر نشسته و باعث رضایت عمومی و ارتقاء امنیت عمومی و اجتماعی خواهد شد. یافته‌های تحقیقاتی؛ نشان می‌دهد رابطه معناداری بین سرمایه اجتماعی، فرهنگ عمومی، تعامل پلیس، سازمان مردم نهاد، پلیس جامعه محور، آموزش همگانی، ... وجود دارد.

واژگان کلیدی: جرم، جنایت، پیشگیری، پلیس، تعامل پذیری

۱ : دانشجوی دکترای تخصصی حقوق کیفری و جرم شناسی ، دانشگاه آزاد اسلامی ، واحد سمنان ، ایران -
zahrashamcizad@gmail.com

۲ : دانشیار فقه و حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سمنان -
maqaib@gmail.com

مقدمه

وجود پلیس به عنوان یکی از بایستی ضروری در جوامع امروزی است که با نظم عمومی ارتباط مستقیمی دارد اکثر اقدامات پلیس نیز براساس یکسری ضروریات اولویت بندی شده و شکل می گیرد. تقسیم بندی جدیدی از ضرورت ارائه شده است: یکی ضرورت جمعی یا عمومی و دیگری ضرورت فردی یا خصوصی. در نتیجه این تحقیقات به این نتیجه رسیدیم ضرورت جمعی یا عمومی که متوجه قانون گذار است، سبب می شود قانون گذار از سیاست کلی و احکام اولیه خود بر ممنوعیت افعال عدول کند و اختیارات بیشتری به افراد و ماموران پلیس بدهد، ولی در ضرورت فردی یا خصوصی که متوجه افراد است قانون گذار با شرایط و قیود بسیاری ارتکاب عمل مجرمانه را برای افراد تجویز کرده و پیشنهاد شده است ماموران پلیس نیز بتوانند در صورتی که در مقابله با خطر همه اقدامات لازم و معقول در حد توانشان را انجام داده باشند از این نوع ضرورت برای نجات جان خود استفاده کنند. (یاگر و دیگران ۱۳۸۸:۴۵)

جهت گیری فعالیت های پلیس امروزه تغییر کرده و پلیس بعضاً به بررسی نقش تعارض فرهنگ ها می پردازد. به طوری که در این خصوص از پلیس اجتماعی سخن به میان می آید. به طوری که این تحول بی ارتباط با تحول سازوکارهای کنترل اجتماعی در جامعه مدرن و افول مکانیزم های خود کنترلی نمی باشد. که این نیز به کم رنگ شدن درونی و اخلاقی ارتباط پیدا می کند. البته این رویکرد پیشگیرانه پلیس مستلزم داشتن اطلاعات کافی است. اطلاع از تمام زوایا و جوانب موضوعات اجتماعی از تهدیدات و خطرات احتمالی و... زیرا شرط واقعی مبارزه با بزه کاری داشتن اطلاعات دقیق از گروه های اجتماعی در خطر که بر حسب زمان ممکن است بزه دیده یا بزه کار گردند، می باشد. آن چه در کشور ما در زمینه پیشگیری از جرم و بزه کاری محسوس است عدم وجود یک نهاد ویژه و مردمی منسجم و مسئول در قلمرو مشارکت مردمی است که توانایی سازمان دادن به این مشارکت و هماهنگی با نهادهای دولتی و تحقیق و تفحص در این زمینه را داشته باشد. امروزه وقوع جرائم و نحوه ارتکاب آن توسط مرتکبین، شکل جدیدی به خود گرفته اند، که همین امر سبب شده که بررسی های دقیق و کارشناسانه ای صورت گیرد تا همسو با وقوع این جرائم پیشگیری های صحیح و منطقی صورت گیرد. بنابراین به عنوان یک راه حل اساسی برای این موضوع پیشنهاد می گردد اقدام به تأسیس نهادی تحت عنوان (سازمان ملی پیشگیری

از وقوع جرائم) گردد. که هیئت رئیسه آن از جرم شناسان، روان شناسان و جامعه شناسان انتخاب شوند و هر سه قوه (مقننه، قضائیه، مجریه) عضو هیئت رئیسه باشند، به طوری که این نهاد جهت جلوگیری از هرگونه تعارض به صورت اشتراکی به وسیله نمایندگان دولت و مردم اداره گردد. فلذا در این مقاله با رویکردی توصیفی و تحلیلی روش اسنادی در پی این سؤال هستیم که آیا تعامل دوسویه فراجا با مردم در قالب رویکردها و مأموریت‌های پیشگیرانه از جرم امکانپذیر است. به نظر می‌رسد پاسخ این سؤال مثبت است که در ادامه این مقاله پژوهشی به صورت تفصیلی بدان پاسخ داده‌ایم.

۱- مبانی نظری پژوهشی

جرم اغلب مانعی بزرگ در رشد و توسعه اقتصادی به شمار می‌رود، زیرا تمایل به افزایش عدم اطمینان اقتصادی، دلسردی برای سرمایه‌گذاری بلند مدت و فرصت‌های شغلی جدید و فرسایش حاکمیت قانون دارد. در عین حال، عدم رشد اقتصادی در ارتباط با نابرابری اقتصادی و اجتماعی بالا، باعث افزایش سطح جرم و خشونت می‌شود. شرایط اقتصادی اجتماعی و نابرابری اجتماعی نقش مهمی در تأثیر یا عدم برخورد افراد خاص با رفتار مجرمانه دارد. سیزدهمین کنگره پیشگیری از جرم و عدالت کیفری سازمان ملل متحد توجه به ضرورت محافظت از کودکان و جوانان در برابر حاشیه نشینی و محرومیت اجتماعی و کاهش خطر قربانی شدن یا بزهکار شدن آنها را مورد توجه قرار داد. مجمع عمومی سازمان ملل متحد قطعنامه‌هایی را تصویب کرد که در آنها بر اهمیت جلوگیری از دخالت کودکان و جوانان در فعالیت‌های جنایتکارانه، با حمایت از رشد و تقویت مقاومت آنها در برابر رفتارهای ضد اجتماعی و بزهکارانه تأکید نمود. سطح پایین جرم و خشونت به طور کلی تأثیر مثبتی بر توسعه اقتصادی اجتماعی دارد. با این حال، ارتباطات بین توسعه اقتصادی و جرم و خشونت در همه جا یکسان نیست. مطالعه جهانی دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد در مورد قتل و آدمکشی در سال ۲۰۱۹ توضیح می‌دهد که اگرچه نرخ بالای قتل می‌تواند تأثیر منفی بر رشد اقتصادی داشته باشد، اما افزایش رفاه به تنهایی لزوماً منجر به کاهش سطح خشونت نمی‌شود. اگر مزایای رشد

اقتصادی به طور یکنواخت توزیع نشود، این خطر وجود دارد که برخی از کسانی که از این فرصت غافل می‌شوند، تصمیم بگیرند که به اقدامات خشن و جنایی متوسل شوند.^۱

استراتژی‌های دقیق پیشگیری از جرم نه تنها از جرم و بزه دیدگی جلوگیری می‌کند بلکه به توسعه پایدار نیز کمک می‌کند. از ۴۷ کشور که در مجمع عالی سیاسی توسعه پایدار در سال ۲۰۱۹ حضور داشتند، بسیاری از آنها در مورد وضعیت جرم در مرزهای خود و اقدامات مثبت انجام شده گزارش دادند. دستور کار توسعه پایدار ۲۰۳۰ پیش بینی سودهایی را برای همه مردم، به ویژه آسیب پذیرترین و حاشیه نشینان فراهم می‌کند. می‌بایست به کودکان و جوانان توجه ویژه‌ای شود. جمعیت جوانی با سطح تحصیلات پایین و نرخ بالای بیکاری به طور ترکیبی، عوامل خطری هستند که جوانان را به سمت رفتارهای بزهکارانه و خشونت آمیز سوق می‌دهند. در عین حال، به موجب سن، سطح انرژی و توانایی یادگیری، جوانان عامل اصلی تغییر در ایجاد آینده بهتر هستند و از توانایی بالایی برای دفاع از طرف خود و جوامع خود برخوردار هستند. تلاش‌های پیشگیری اولیه برای حمایت از رشد سالم کودکان و جوانان مؤثر بوده است، زیرا آنها شرایطی را ایجاد می‌کنند که قبل از ظهور باعث ایجاد رفتارهای ضد اجتماعی و جرم می‌شود. به عنوان مثال، دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد یک ابتکار جهانی پیشگیری از جرم جوانان تحت برنامه دوحه را اجرا می‌کند که از ورزش به عنوان ابزاری برای تقویت مقاومت در جوانان در معرض خطر، از جمله افراد در جوامع حاشیه‌ای استفاده می‌کند. ابتکارات مبتنی بر ورزش باعث تقویت امور اجتماعی می‌شود. (نقل از منبع پیشین)

پلیس و سایر نهادهای اجرای قانون اغلب به عنوان بازیگران اصلی در پیشگیری از جرم شناخته می‌شوند. پلیس کارآمد نیاز به یک رویکرد حساس به جنسیت و مبتنی بر حقوق بشر در اجرای قانون دارد که بیشتر بر اساس رضایت و نه زور ساخته شده است. برای تقویت مشروعیت، عملکردهای اجرای قانون باید به روشی منصفانه، مؤثر و بدون تبعیض انجام شود، و پاسخگوی نیازهای مردم و جوامع باشد و با صداقت و پاسخگویی رفتار کند. پیشرفت‌های اخیر در فناوری تأثیر آشکاری بر پلیس در بسیاری از کشورها داشته و امکان افزایش کارایی پلیس را دارد. با این حال، چالش‌هایی وجود دارد از جمله با رعایت حریم

^۱<https://www.unodc.org/islamicrepublicofiran/fa/comprehensive-strategies-for-crime-prevention-towards-social-and-economic-development.html>

خصوصی و محافظت از داده‌ها، استفاده از فناوری باید مطابق با هنجارها و استانداردهای بین‌المللی حقوق بشر باشد. کاهش جرم و خشونت برای دستیابی به توسعه پایدار مهم است. دستور کار ۲۰۳۰ برای توسعه پایدار شامل اهداف بیشماری در رابطه با جرم و خشونت است و کشورهای عضو می‌بایست تلاش‌ها برای شمول اجتماعی و اقتصادی با هدف پیشگیری از جرم و خشونت را تقویت کنند. (نقل از منبع پیشین)

۲- پیشینه پژوهشی

- مقاله با موضوع: نقش پلیس در پیشگیری از جرائم؛ با قلم عباس درویشی به سال ۱۳۹۶ در **فصلنامه قانون یار** به چاپ رسیده است در آن نویسنده به چنین نتیجه‌ای رسیده است که روش‌های پیشگیری همانند خود جرم، گونه‌های متعددی را شامل می‌شوند، گونه‌هایی که حسب مورد ابعادی فردی، اجتماعی، اخلاقی، فرهنگی و آموزشی و در گام نهایی کیفری به خود می‌گیرند، به واقع آن گاه که شیوه‌های غیر کیفری از حفظ ارزش‌ها ناتوان هستند، از قوی‌ترین ابزار یعنی کیفر استمداد می‌شود، بدین معنا که قوانین کیفری وضع می‌گردند و مرتکبان اعمال مجرمانه مجازات می‌شوند، تا از بزهکاری‌های آتی مجرم متحمل کیفر و سایر افراد جامعه جلوگیری به عمل آید و در همین نقطه است که پیوند بازدارندگی و پیشگیری، جشن گرفته می‌شود. نقد بزرگی که در این مقاله وجود رویکرد صرف کیفر محوری است که برای اقدامات پلیسی در نظر گرفته شده است.

- مقاله علمی با موضوع: کارکردشناسی تحولات پلیس در زمینه پیشگیری از جرم؛ به قلم ایرج گلدوزیان و دیگر نویسندگان به سال ۱۳۹۷ در **فصلنامه مطالعات حقوق کیفری و جرم شناسی** به چاپ رسیده است در آن نویسندگان معتقدند در فرایند تخصصی شدن پلیس، ماهیت اقدامات پلیس در سه شکل سنتی، حرفه‌ای و جامعه محور مشاهده می‌شود. ولی در برخی متون تنها به دو نوع سنتی و جامعه محور اکتفا شده است. در رویکرد سنتی، نظم، برآیند روابط غیرشخصی بین پلیس و شهروندان، رهبری شبه نظامی و تاکید بر حضور پررنگ تر و واکنش سریع به فعالیتهای مجرمانه با هدف ایجاد آرامش است. اما در دهه‌های اخیر رویکردهایی همچون پلیس مبتنی بر حل مسئله، پلیس متمرکز بر مناطق جرم خیز و پلیس جامعه محور ظهور و در سازمانهای پلیسی جریان یافت که نقش آشکاری در کاهش جرم داشته است. با تاکید بر نقاط قوت آن به نظر نگارنده نقطه ضعف آن این مسئله

می‌باشد که نویسندگان نتوانسته‌اند تصویر کاملی از وضعیت پیشگیری از جرم در آن زمان ارائه دهند تا با امروز قابل مقایسه باشد.

- مقاله دیگر با موضوع: نقش پلیس در پیشگیری از جرائم راهکارهای پیشگیری از جرم؛ که به سال ۱۳۹۶ در **مجله نخبگان علوم** به قلم سیدمحمدرضا موسوی فرد و دیگر نویسندگان همکار، که در آن نویسندگان معتقدند پیشگیری از جرم یکی از جلوه‌های سیاست داخلی است که ارتباط تنگاتنگی با نظام سیاسی حاکم بر جوامع بشری دارد و از مؤلفه‌های مؤثر و مهم در ایجاد جامعه امن است. برای دسترسی به امنیت در جامعه، شناخت فرایندهای اجتماعی ناهمگون و سرانجام، جلوگیری از رشد این فرایندها از طریق تدوین و اجرای برنامه پیشگیری ضروری است. امروزه در نظام‌های پیشرفته، تدوین برنامه پیشگیری از جرم از اهمیت زیادی برخوردار است. به موجب بند ۱۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی ایران «پیشگیری از جرم به عهده قوه قضاییه است» بنابراین شایسته است قوه قضاییه با تشکیل نهادی ضمن دعوت از صاحب نظران و انجام مطالعات دقیق و همه جانبه برای شناخت عوامل جرم زا و راهکارهای پیشگیری از جرم، اقدامات اجرایی را مدیریت نماید. نقدی که بر آن وارد است این مسئله است نویسندگان توجه خاصی به سیاست جنایی پیشگیری در عرصه اجرایی نداشته‌اند. این مهمترین نقد بر آن است.

البته منابع دیگری در این خصوص وجود دارد که نوعاً به بخش‌هایی از موضوع مقاله حاضر اشاره کرده است به علت رعایت اختصار از ذکر آنها پرهیز می‌گردد.

۳- مفهوم پیشگیری از جرم:

پیشگیری از بزهکاری در میان جرم شناسان به دو صورت موسع و مضیق (عام و خاص) تعریف شده است، پیشگیری در مفهوم موسع شامل آن دسته از تدابیر و اقدام‌هایی است که از ارتکاب جرم جلوگیری می‌کند؛ بدین سان هر اقدام کیفری (واکنشی) یا غیر کیفری (کنشی) مطابق این تعریف در گستره پیشگیری از جرم جای می‌گیرد؛ اما مفهوم مضیق در برگیرنده مجموعه تدابیر و اقدام‌های غیر کیفری (کنشی) با هدف مقابله با بزهکاری از رهگذر کاهش یا از بین بردن علل جرم زا و نیز تاثیرگذاری بر موقعیتهای پیش جنایی است. به گونه‌ای که بتوان با استفاده از سازوکارهای منشی بر شخصیت افراد و موقعیت‌های

پیش از ارتکاب جرم تأثیر گذاشت. بنابراین پیشگیری به طور کلی به دو صورت، پیشگیری کیفری (قهرآمیز، واکنشی) و غیر کیفری (غیر قهرآمیز، کنشی) انجام می‌شود. منظور از پیشگیری کیفری مداخله نهادهای عدالت کیفری پس از ارتکاب جرم جهت کاهش تکرار جرم است و منظور از پیشگیری از جرم در معنای اخص کلمه (مفهوم مضیق) همان پیشگیری غیر کیفری (کنشی) می‌باشد.

با در نظر گرفتن موازین علمی و مفهوم پیشگیری، می‌توان اعمال روش‌های پیشگیرانه را در قالب استفاده از کیفر به عنوان سلاح بازدارنده از تکرار جرم یا وقوع ابتدایی آن توسط افراد ناکرده بزه، از طریق کارکرد اربابی خود و با بهره‌گیری از یافته‌های جرم‌شناسی پیشگیرانه، به عنوان یکی از علوم مرکب تصور نمود. بدیعی است توسل به روشهایی غیر از اعمال کیفر که وصف پیشگیرانه دارند، با عنوان پیشگیری غیر کیفری یا اجتماعی از طریق استفاده از ابزارهای غیر قهرآمیز و با مشارکت عموم مردم و مداخله نهادهای دولتی و مدنی امکان پذیر خواهد بود. لکن به دلیل انحصار ابزارهای کیفری درید دولت، نهادهای مدنی و مردم قادر نخواهند بود مستقیماً از روشهای کیفری جهت بازدارندگی توأم با ارباب جهت اصلاح و پیشگیری از وقوع جرائم بهره‌گیری نمایند. جرم‌شناسان خصایص متفاوتی برای اقدامات پیشگیرانه خاص و سرکوبی یا پیشگیری کیفری قائلند، لکن به لحاظ دارا بودن هدف مشترک میان پیشگیری و سرکوبی که همان ممانعت از ارتکاب بزه خواهد بود و اینکه ظاهر شدن نتیجه رویه‌های خاص پیشگیری، گاهی مستلزم صبر و حوصله و گذشت زمان بوده و به طور آنی و در کوتاه مدت امکان پذیر نیست، امر سرکوبی، به خصوص در جرائم جنسی و خلاف عفت عمومی در میان جوامع سنتی و مدرن بیشتر مورد توجه قرار گرفته است. باید به یاد داشت: «هدف کیفر تحمیلی به بزه کار تنها برقراری تعادل اجتماعی، تنبیه خطای اخلاقی ارتکابی و مجازات مجرم به لحاظ عدم رعایت وظایف اجتماعی و ارضای افکار عمومی نگران و منزجر نیست. علاوه بر اینها، لازم است که هر مجازات آن طور انتخاب و اجرا شود که برای دیگران عبرتی باشد و کارکرد پیشگیرانه سودمندی را نیز ایفا کند، به این ترتیب کیفر ماهیتاً دارای خصیصه ترهیبیاست. یعنی اینکه رنج و دردی را به طور مشقت بار بر مجرم وارد می‌کند و گاهی نیز با وصف ترذیلیشناخته می‌شود که اعمال آن، پست و رذل شدن مجرم و رسوایی وی را در اجتماع به دنبال دارد. با بررسی تاریخی کیفرهای پیش بینی شده برای جرائم جنسی و حتی با بررسی فعلی کیفرهای اینگونه جرائم، خصیصه‌های مذکور با نمود بیشتری مشاهده

می‌شود اندیشه پیشگیری از وقوع جرم از طریق توسل به کیفر یا واکنش اجتماعی در طول زمان دچار تحولا گسترده‌ای شده است. لکن کماکان مرزهای روشنی را با پیشگیری از جرم در مفهوم مضیق خود که همان روش‌های پیشگیری غیر کیفری است، حفظ کرده است. مراد از تدابیر کیفری، مجموع وسایلی است که جامعه برای مبارزه با تبهکاری به کار می‌برد؛ و به طور سنتی به جز اعمال کیفر تدابیر دیگری از نوع واکنشی در جوامع دیده نمی‌شود. جرم‌شناسی به عنوان اصلی‌ترین ابزار اعمال روش‌های پیشگیرانه، از علوم مرکب محسوب می‌شود. علوم مرکب در کنار مفاهیم علمی، دارای مفاهیم ارزشی نیز می‌باشند و در عین حال این علوم، تحت حاکمیت سلوک اخلاقی قرار دارند. لذا مسائلی چون حق و ناحق، مسئولیت و جرم و مجازات از دید هر کس متفاوت است. ممکن است مجازات از نظر یک نفر تنبیه باشد ولی در دیگری مؤثر نیفتد. همین امر غامض بودن تدوین روش‌های پیشگیرانه را دو چندان خواهد نمود. «بنابراین پیشگیری از بزه کاری، صرف‌نظر از اشکال مختلف آن، مقید به رعایت مبانی نظری، اصول علمی و به ویژه معیارها و محدوده‌های حقوقی با توجه به نوع جرم، تیپ (گونه) بزه‌کاران، برنامه‌ها، روش‌ها و فنون مورد استفاده است. هدف پیشگیری نمی‌تواند کاربرد هر وسیله، فن یا اقدام و به ویژه کنارگذاری اصول عمومی حقوق را توجیه کرده و بهانه‌ای برای توسل به مقررات فوق العاده و روش‌های خاص فراقانونی شود. (نقل از منبع پیشین)

۴- مأموریت مردم مدار فراجا

در رویکردهای جدید مأموریت‌های ناجا تاکید بر مردمی بودن آن بسیار مورد تاکید فرماندهان آن واقع شده است. همراهی و همکاری مردم و گروه‌های اجتماعی با ناجا را بایستی ارتقاء داده و آنها را در کنار خود قرار دهیم و اگر این هنر را نداشته باشیم هر روز بار انتظامی ما افزوده خواهد شد؛ اگر هنر و توان همراه کردن مردم، نهادهای اجتماعی، سازمان‌ها و دستگاه‌ها را نداشته باشیم هر روز بر بار انتظامی پلیس افزوده خواهد شد. سرعت تغییرات اجتماعی بسیار گسترده است، اما مدیریت تغییرات متناسب نبوده و یک عقب ماندگی جدی را شاهد هستیم و اصطلاحاً تدابیر ما متناسب با تغییرات اجرا نمی‌شود، بین تدبیرات و تغییرات فاصله معناداری وجود دارد. همانطور که می‌دانیم بین سرمایه‌های مختلف انسانی، طبیعی و مادی، مالی، اقتصادی و اجتماعی جامعه شناسان معتقدند سرمایه

اجتماعی نیروی محرکه سایر سرمایه‌ها محسوب می‌شود. اعتماد بین فردی، اعتماد بین افراد و گروه‌های اجتماعی نظام اجتماعی و حاکمیت بسیار با اهمیت است؛ لذا باید با جلب اعتماد مردم و همراه سازی به توان از ظرفیت آنها در تصمیم سازی، تصمیم گیری و اجرا پلیس خودشان را یاری کنند.^۱ تعامل مردم با پلیس، پیشران تأمین نظم و امنیت عمومی است. این امر فرصتی مناسب برای دستیابی به هدف غایی پلیس در پیشگیری از وقوع جرم خواهد بود. ظرفیت فراجا، ظرفیتی است که می‌توان با همراهی سرمایه‌های اجتماعی پلیس با محوریت مردم به اهداف متعالی پلیس در ترسیم جامعه بدون جرم، امنیت پایدار و تأمین امنیت، آسایش و آرامش عمومی روحی دوباره بخشید.

پلیس در سال‌های گذشته در زمینه تعامل با مردم پیشرفت‌های خوبی داشته است. سامانه‌هایی که پلیس برای اینکه بتواند با مردم در تعامل باشد و نظارت همگانی را بین مردم نهادینه کند، ایجاد کرد دستاوردهای خوبی محسوب می‌شود. پلیس در جهت ایجاد بستری که مردم بتوانند به راحتی خدمات پلیسی را دریافت کنند مانند سامانه ۱۱۰، یکی از پیشرفت‌های بسیار مهم بود. البته در آمار رسمی ناجا که از سوی فرماندهان آن اعلام می‌شود نیز تلاش ناجا در جلب مشارکت اجتماعی ملموس است.^۲ مردم به عنوان سرمایه‌های اصلی جریان اجتماعی و فرماندهی و فرمانبری در قالب یک نتیجه عقلایی نیز اگر بخواهیم بحث کنیم با مشارکت بیشتر در این رویکردهای پلیسی که در قالب مأموریت‌های انتظامی و ستادی فراجا تعریف می‌شود با راحتی می‌توانند با دو نتیجه ملموس را به دنبال بیاورد که به شرح ذیل است:

اولاً: نتایج اقدامات مشارکتی مردم مدار ملموس‌تر خواهد بود؛

۱. <https://www.ilna.ir/fa/tiny/news-۷۹۸۹۶۸>

۲. حوزه معاونت اجتماعی فرماندهی فراجا اظهار داشته است: مأموریت اصلی که معاونت اجتماعی فراجا پیگیری می‌کند این است که ما در همه کلاترئی‌ها مشاورانی گذاشته‌ایم تا قبل از اینکه پرونده‌ها قضایی بشود، این مشاوران با مردم صحبت کنند. ما در سال گذشته حدود ۴۸۰۰ پرونده را بررسی کردیم و حدود ۸۰ درصد این پرونده‌ها قبل از اینکه بخواهد قضایی شود، منجر به سازش شده است. خانواده‌ها به مراکز مشاوره ما در سراسر کشور مراجعه می‌کنند و ما در حوزه آسیب‌های اجتماعی ورود کرده‌ایم. از طرفی آموزش همگانی پلیس برای اینکه سطح دانش انتظامی مردم بالا برود و مشارکت مردم را به کار بگیریم، رو به رشد بوده است. ما می‌خواهیم مردم همیار و همکار پلیس باشند تا امنیت پایدار در کشور داشته باشیم. با آموزش‌های همگانی توانسته‌ایم بخش مهمی از آگاهی‌های انتظامی را در اختیار مردم بگذاریم. ۴. khabaronline.ir/xf۷Y

ثانیاً: هزینه‌های تمام شده اقدامات پلیسی در قالب ماموریت‌های ترسیمی کاهش خواهد یافت. پس فراجا باید در برنامه ریزی‌های خود در فعالیت‌های سازمانی در قالب مأموریت‌ها حداکثر تلاش خود را برای مشارکتی‌تر کردن آن صورت دهد تا نوعاً نتایج ملموس‌تر با هزینه کمتری به همراه داشته باشد.

۵- مشارکت اجتماعی مقدمه نظم انتظامی

یکی از ویژگی‌های مطالعات راهبردی این است که مفاهیم این حوزه مطالعاتی علاوه بر کارکرد ماهیت شناختی، به مثابه ابزاری برای پیشبرد و تسهیل اهداف و برنامه‌های مربوط به نظم، امنیت و سامان امور عمومی کاربرد دارد؛ از این رو تدقیق فضای معنایی و ابعاد و مؤلفه‌های آن برای پیشگیری از خطای شناختی ضرورتی اجتناب ناپذیر است. با طرح مسائل و موضوعاتی مانند «امنیت اجتماعی»، «نظم عمومی»، «اجتماعی شدن امنیت»، «پلیس جامعه محور» و «امنیت جامعه‌ی»، موضوع مشارکت اجتماعی در مطالعات راهبردی اهمیت خاص یافته است. مشارکت اجتماعی فرآیندی است که از طریق آن، شخصیت اجتماعی انسانها شکل می‌گیرد و آنان را برای انجام کارهای مشترک گروهی آماده می‌سازد. در تعریف مشارکت اجتماعی گفته شده است: «مشارکت اجتماعی عبارت است از شرکت آگاهانه، ارادی، خودانگیخته و هدفمند گروهها و افراد در فرآیندها و امور اجتماعی جامعه به منظور تسهیم و نقش داشتن در کارها، تسهیل و تسریع امور جامعه و بهره برداری از نتایج آنها و کمک به اهداف توسعه اجتماعی جامعه» (انصاری، ۱۳۸۳: ۶۲)

بنیادی‌ترین اندیشه زیر ساخت مشارکت پذیرش اصل برابری مردم است و هدف از آن همفکری، همکاری و تشریک مساعی افراد در جهت بهبود کمیت و کیفیت زندگی در تمامی زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است. مشارکت را به گونه‌هایی چون مشارکت اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و روانی تقسیم می‌نمایند، هرچند که تفکیک دقیق آنها به دلیل درهم تنیدگی، همپوشی و مکمل یکدیگر واقع شدن چندان امکان پذیر نمی‌باشد، اما در مقام شناخت و تحلیل می‌تواند سودمند باشد. در واقع هنگامی که میزان مشارکت فرد یا تمایل فرد برای مشارکت در جامعه کم است ریشه آن به سیستم دیدگاه‌های جامعه و فرد در خصوص فرهنگ، باورها و تصویری که فرد به محیط پیرامون خود دارد، بر می‌گردد. یعنی یک نوع بی قدرتی و احساس بی قدرتی در فرد به وجود

می‌آید که خود عامل مهمی برای کاهش مشارکت افراد می‌باشد. افرادی که احساس بی‌قدرتی می‌کنند، اعتماد به نفس خود را نیز از دست می‌دهند و احساس می‌کنند که حضور و عدم حضور آنها در فرآیندهای اجتماعی تأثیری ندارد، لذا در عرصه اجتماع کمتر فعالیت مشارکتی دارند. دسته دوم نظریات، بر جنبه رفتاری تأکید دارند و به سود و زیان مشارکت می‌پردازند، یعنی پاداش‌ها و مجازات‌هایی که در قبال انجام یک رفتار نصیب یک شخص می‌شود تعیین کننده ادامه رفتار او و میزان مشارکت او می‌باشد.^۱ به نظر می‌رسد قانون مداری شهروندان می‌تواند عاملی تعیین کننده در افزایش مشارکت با پلیس باشد. می‌توان بر این نکته تأکید نمود که پلیس به عنوان ضابط قضایی، تأمین کننده امنیت در جامعه، آئینه جامعه و پاسبان اجرای قانون باید بکوشد در سطح پیشگیری اولیه، ابتدا شهروندان و در مرحله بعد، افراد زیرمجموعه خود را با حقوق و قوانین اساسی و مصوبات آشنا کرده و لزوم احترام و رعایت قوانین را در سطح کلان و خرد در بین افراد جامعه نهادینه سازد و یادآوری کند که حقوق شهروندان تا زمانی مورد حمایت است که به قوانین، حقوق و آزادی‌های دیگر شهروندان و امنیت اجتماع تعرض نشود. (صلاح الدین، ۱۳۹۴:۶۵)

مشارکت شهروندان در امور شهر، موضوعی است که چند دهه از عمر آن در کشورهای غربی و سازمان‌های بین‌المللی می‌گذرد. این جریان فکری با توجه به زمینه مخصوص خود در غرب رشد کرده، اما طرح آن امروزه در ایران و در سازمان‌های عمومی مانند فراجا، بی‌شک برخاسته از نیاز است. علی‌رغم احساس نیاز شدید در میان مسئولان، جایگاه مفهوم مشارکت شهروندی بسیار مبهم است. ضمن این‌که شکافی عمیق میان مسئولان و شهروندان آن‌ها در خواسته‌ها و ترجیحات هر یک وجود دارد. علی‌ایحال رعایت حقوق شهروندی، افزایش اعتماد عمومی، ارائه خدمات شایسته به مردم و جلب حداکثری مشارکت مردم در تأمین امنیت را محور مأموریت‌های پلیس است. اعتماد عمومی سرمایه ارزشمند اجتماعی فراجا بوده و پلیس با حداکثر توان از این سرمایه حراست می‌کند. مشارکت به عنوان یکی از اساسی‌ترین شکل‌های روابط اجتماعی به مثابه موضوعی در جامعه شناسی معاصر تلقی می‌شود. مشارکت اجتماعی فرآیندی است که از طریق آن اجتماع، جماعت یا گروه‌ها به هم می‌پیوندند تا عملکرد مورد انتظار یا مورد نیاز را به اجراء درآورند. نیروی انتظامی در راستای اتخاذ نوعی سیاست مشارکتی در امر کنترل جرائم و برقراری نظم و

۱. <https://farhangekherad.com/social-participation>

امنیت اجتماعی به همکاری و مشارکت همه جانبه مردم نیاز دارد، بنابراین می‌بایست تعامل و همکاری خود را با گروه‌های مختلف اجتماعی بیش از پیش توسعه دهد. براساس یافته‌های پژوهش رابطه معناداری بین سرمایه اجتماعی، فرهنگ عمومی، تعامل پلیس، سازمان مردم نهاد، پلیس جامعه محور، آموزش همگانی، عام‌گرایی و خاص‌گرایی، آموزش کارکنان و فرهنگ سازمانی وجود دارد. بیشترین تأثیر بر متغیر وابسته (مشارکت) مربوط به متغیر سازمان‌های مردم نهاد می‌باشد. (نقل از منبع پیشین)

به طور تاریخی، در ایران همواره رویکردی اقتدارگرا از سوی نهادهای انتظامی در برقراری نظم و امنیت دنبال می‌شده است. این امر، بازتاب واقعیت بزرگ‌تری است و آن این که حاکمیت و نهادهای نظامی و انتظامی کمترین توجه را به جلب اعتماد عمومی و مشارکت اجتماعی مردم معطوف داشته‌اند. به همین دلیل، مردم حداقل مشارکت انتظامی را در عرصه زندگی اجتماعی از خود جلوه‌گر ساخته‌اند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، همگام با تحول سطح مشارکت مردم در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، تحول قابل توجهی در امر مشارکت انتظامی مردم و همچنین توجه به رویکرد جامعه محوری از سوی نهادهای انتظامی بوجود آمد. بخصوص طی چند سال اخیر اقدامات قابل توجهی از سوی نیروی انتظامی در این راستا صورت گرفته، مع الوصف نه نیروی انتظامی و نه هیچ یک از نهادهای متولی نظم و امنیت کشور به هیچ وجه نتوانسته‌اند از تمام ظرفیت‌های بالقوه اجتماعی خود در بهبود وضعیت نظم و امنیت کشور استفاده نمایند.^۱ یافته‌های تحقیقات انجام شده نشان می‌دهد که جامعه ایران، به‌ویژه نهادها و دستگاه‌های امنیتی و سیاسی لازم است تا در راستای ارتقای مشارکت مردمی در امنیت عمومی به تلاش افزون‌تر خود جهت «فراهم کردن بسترهای قانونی تعامل و ارتباط با مردم»، «تأکید بر فرهنگ‌سازی و آموزش عمومی (مردم و سازمان‌های متولی امنیت)»، «تمرکز بر تغییر ساختارها و تمرکززدایی از قدرت و مسئولیت در نهادهای متولی امنیت»، «توجه به عنصر سرمایه اجتماعی و مهم‌ترین عنصر سازنده آن؛ یعنی «اعتماد عمومی» و «افزایش احساس مسئولیت اجتماعی» ادامه دهند. (بیات و دیگران، ۱۳۹۹: ۸۹)

۶- سیاست مشارکت فعال انتظامی مردم و پلیس

تحقیقات جدیدی که بعمل آمده است؛ نشان می‌دهد رابطه معناداری بین سرمایه اجتماعی، فرهنگ عمومی، تعامل پلیس، سازمان مردم نهاد، پلیس جامعه محور، آموزش همگانی، عام گرایی و خاص گرایی، آموزش کارکنان و فرهنگ سازمانی وجود دارد. بیشترین تأثیر بر متغیر وابسته (مشارکت) مربوط به متغیر سازمان‌های مردم نهاد می‌باشد. (احمدی و دیگران: ۱۳۹۶: ۱۲۹)

قانون گرایی و اجرای مقررات موجب پیشگیری از برخورد قضایی یا واکنش نیروی انتظامی می‌شود، انجام فعالیت‌های آموزشی و فرهنگی موجب کاهش ناهنجاری‌های اجتماعی و قانون‌گریزی می‌شود و همه اجزای حاکمیت در این مسیر باید نقش‌آفرین باشند. قانون گرایی را مهم‌ترین عامل مشارکت مردمی در حفظ نظم و امنیت جامعه برشمرد و بهبود شرایط اقتصادی و اجتماعی را عامل مهم کاهش جرائم در کشور ارزیابی کرد. امنیت پایدار مستلزم قانون گرایی و مشارکت مردمی است و در این راستا نیروی انتظامی امین مردم و حافظ نظم و امنیت جامعه محسوب می‌شود.^۱ در سال‌های اخیر اهتمام نیروی انتظامی جمهوری اسلامی به مقوله مشارکت مردمی در امنیت افزایش یافته است. بی‌گمان برای استمرار و توفیق طرح‌ها و مأموریت‌های این نهاد، به همیاری و مشارکت شهروندان نیاز است. (ابراهیمی و دیگران: ۱۴۰۰: ۱۴۱)

همواره تقویت زمینه‌های مشارکت مردمی در توسعه امنیت و معرفی دستاوردهای آن به مردم، توسعه حقوق شهروندی، افزایش خدمات دانش پایه و تقویت روحیه مشارکت پذیری کارکنان را از جمله اهداف نیروی انتظامی دانسته‌اند.^۲

موضوع امنیت و مشارکت با پلیس در جامعه شهری اهمیت ویژه‌ای دارد. امروزه، با افزایش جوامع شهری و در هم تنیده‌تر شدن آنها، شرایط تأمین و برطرف کردن نیازها هم شکلی پیچیده‌تر یافته است. شناخت و کنترل امنیت در شهرها مستلزم نگاه دقیق و همه‌جانبه‌ای است تا از طریق آن، بتوان ابعاد گوناگون امنیت را درک و ارتباط‌های پنهان میان آن ابعاد در سطوح مختلف را کشف کرد. پژوهش حاضر در همین زمینه سعی دارد درباره عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان ساکن شهر ارومیه در برقراری امنیت و نظم کاوش

۱. isna.ir/xdCkfg

۲. <http://shabestan.ir/detail/News/۰۷۷۶۱۷>

کند و تأکید ویژه‌ای بر حقوق شهروندی و آگاهی مردم از این حقوق و عضو شدن و فعالیت آنها در نهادهای مدنی و مشارکتی دارد. گسترش روزافزون فیزیکی شهر و چندفرهنگی و چندقومیتی بودن آن مشکلاتی مانند کاهش انسجام اجتماعی، افزایش احساس محرومیت نسبی و... را به وجود آورده است. ازسوی دیگر، ضعف نهادهای مدنی در جلب مشارکت مردمی و آگاهی شهروندان از حقوق شهروندی سبب می‌شود ایجاد فضای امن شهری با چالش روبه‌رو شود. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند توجه متولیان امنیت به متغیرهای بررسی شده می‌تواند به بهبود امنیت به‌ویژه امنیت مشارکتی در فضای شهر کمک زیادی کند. (ابراهیمی و دیگران:۱۳۹۷: ۱۳)

نظم و امنیت یک تولید جمعی است که به میزان بلوغ اجتماعی جامعه بستگی دارد، اگر نظم و امنیت به عنوان مهم‌ترین نیاز زندگی اجتماعی توسط جامعه به رسمیت شناخته شده باشد در این صورت انتظام ملی به منصفه ظهور رسیده و ارزش‌های خود را در الگوی عمومی نظم اجتماعی متجلی می‌سازد. اصل مشارکت و نظارت همگانی را از اصول حاکم بر امنیت عمومی دانست و خاطر نشان کرد: ارتباط میان امنیت عمومی و مشارکت‌های مردمی یک ارتباط دو سویه است به طوری که گسترش امنیت عمومی می‌تواند زمینه ساز توسعه مشارکت‌های مردمی باشد و از طرفی افزایش مشارکت‌های مردمی پشتوانه محکمی برای حاکمیت و بقای امنیت جامعه خواهد بود. گسترش فرهنگ مشارکت مردمی در ارتقاء نظم و امنیت اجتماعی و راه اندازی شعبه معتمدان پلیس در محله‌ها را اصلی زیربنایی برای ایجاد بستر مداخله اثربخش شهروندان در افزایش قانون مداری و ارتقاء انضباط اجتماعی در محیط‌های زندگی می‌تواند به عنوان یکی از راهکارهای گسترش مشارکت اجتماعی باشد. امنیت را یک ضرورت اجتناب پذیر و غیرقابل انکار در عرصه اجتماع است، امنیت، از جمله پدیده‌های مهم و شایان توجهی است که از نیازها و ضرورت‌های اساسی و پایه‌ای فردی و اجتماعی است و بخش مهمی از تحقق آن مرتبط با سیاست‌ها و چگونگی نظارت بر اجرای قوانین از سوی دستگاه‌های متولی نظم و امنیت است. فراجا باید با نگاه فرابخشی و فراسازمانی، نقش و سهم نهادها و سازمانی که در مشارکت‌ها و همکاری‌های همه جانبه مسئولیت مستقیم یا غیرمستقیم دارند، تعیین شود تا برآیند کارکرد بخش‌های مختلف به تولید مشارکت و همکاری متقابل و دو جانبه مردم و پلیس منجر شود. مهم‌ترین هدف پلیس جامعه گرا، جلب مشارکت عمومی در راستای حل مشکلات جامعه در حوزه نظم و انضباط اجتماعی است و باید فرماندهان و مدیران همواره در تصمیم‌سازی‌ها مورد توجه و

تاکید قرار گیرد. مهم ترین نهادی که وظیفه تأمین این امنیت را دارد نیروی انتظامی است. عملکرد پلیس در گذشته بیشتر بر پایه اقتدارگرایی بود اما سالهاست این عملکرد به سمت جامعه گرایی (ارتباط نزدیک بین مردم و پلیس) تغییر کرده است. برای جلب اعتماد و ایجاد رابطه دوستانه پلیس با مردم طرح‌هایی مانند پلیس افتخاری، ارتباط هدفمند با مراکز دولتی، شناسایی، جلب و جذب مراکز و تشکل‌های غیر دولتی، اصناف و بهره‌گیری از توانمندی آنها در راستای برقراری نظم و حفظ امنیت اجتماعی پیگیری می‌شود. امروزه، پیشگیری انتظامی از جرم، یکی از عوامل اساسی و بنیادی در بسترسازی امنیت به شمار می‌رود. از طرف دیگر، احساس امنیت یکی از مهم‌ترین نیازهای انسانی بوده که توسعه و تعالی را به همراه خواهد داشت. رابطه مثبت و معنی داری بین پیشگیری انتظامی از جرم و احساس امنیت در بین شهروندان شهر تبریز وجود دارد. همچنین، ارتباط احساس امنیت با هر یک از متغیرهای شناخت مردم از وظایف نیروی انتظامی، ضابطه مندی پلیس و تعامل پلیس با سازمان‌های دولتی مثبت و معنی دار بوده است. (سلطانی بهرام و دیگران: ۳۹:۱۳۹۴).

۷- جریان مأموریت گرایی پیشگیرانه فراجا

در حقیقت پیشگیری از وقوع جرم مؤثرترین و بهترین راه مبارزه با رفتار کج روانه و ناهنجاری اجتماعی است و جایگاه والا و ارزشمندی در سیاست جنایی کشورهای مختلف دارد. برخی بر این باورند که پیشگیری از جرم دربرگیرنده تدابیر و اقداماتی است که نرخ بزهکاری را کاهش دهد بدین صورت که از یک سو علل اثرگذار بر جرم را شناسایی کرده و از سوی دیگر ابتکارات مناسبی را برای مبارزه با این علل اعمال کند. سیاست جنایی یعنی سازمان بخشیدن سنجیده و مطالعه شده به مبارزه علیه بزهکاری است که قانون‌گذار آن را قبلاً جرم دانسته است و این مبارزه از طریق وسایل مختلف و با اهداف روشن انجام می‌گیرد. در حوزه رویکردهای مأموریتی و سازمانی ناجا شناسایی مشکلات، پاسخگویی به مطالبات مردمی، ارائه راهکارهای لازم در راستای پیشگیری و مقابله با جرائم از جمله مأموریت‌های معاونت اجتماعی است. توسعه تعامل با مردم موجب جلب اعتماد عمومی و در پی آن افزایش مشارکت عمومی و سرمایه اجتماعی است، سرمایه اجتماعی در تولید امنیت پایدار مؤثر است، در نوع خود پیشگیری از جرائم را به دنبال خواهد داشت. از جمله

راهکارهای رویکرد پیشگیری اجتماعی پلیس می‌توان به: تعامل با مراکز دولتی و استفاده از توانمندی‌های آنان در راستای مأموریت‌های مشارکتی پلیس؛ تعامل با تشکل‌های غیردولتی (هیئت‌های مذهبی، بسیج، مؤسسه‌های خیریه و مانند آنها)؛ مشارکت با گروه‌های اجتماعی (معلمان، اصناف، دانش آموزان، دانشجویان و مانند آنها)؛ استقرار مراکز مشاوره و مددکاری و ارائه خدمات مشاوره روانشناختی و انتظامی؛ فرهنگ‌سازی و ارائه آموزش‌های همگانی؛ اطلاع‌رسانی دقیق از اقدام‌های پلیس پیشگیری با تکیه بر رویکرد اجتماع محور و پیشگیری جرم از طریق تعامل با نهاد خانواده، اشاره کرد. (مهدوی و دیگران: ۹۱:۱۴۰۰) در فرآیند تخصصی شدن پلیس، ماهیت اقدامات پلیس در سه شکل سنتی، حرفه‌ای و جامعه محور مشاهده می‌شود. ولی در برخی متون تنها به دو نوع سنتی و جامعه محور اکتفا شده است.^۱ در رویکرد سنتی، نظم، برآیند روابط غیرشخصی بین پلیس و شهروندان، رهبری شبه

^۱. پلیس به عنوان نهاد پیش‌تاز جامعه، وسیله ایجاد انسجام اجتماعی است و می‌تواند اقدام به پیشگیری از جرم کند. برای پلیس نقش سه وجهی پیشگیری و اعمال قانون و برقراری نظم و انسجام جامعه لحاظ شده است و از اینجا روشن می‌شود، که پلیس نه تنها در بعد اجرای قانون بلکه در دو بعد دیگر هم باید نقش خود را ایفاء کند. بدین ترتیب گستره مداخله پلیس به مجرمین و مظنونین به ارتکاب جرم محدود نمی‌شود، بلکه مجموعه جمعیت و شهروندان را در بر می‌گیرد. همان طور که در زمینه بهداشت و سلامت نیز، اقدام پیشگیرانه فقط شامل بیماران نیست. البته این رویکرد پیشگیرانه پلیس مستلزم داشتن اطلاعات کافی است. اطلاع از تمام زوایا و جوانب موضوعات اجتماعی، از تهدیدات و خطرات احتمالی... زیرا شرط واقعی مبارزه با بزهکاری داشتن اطلاعات دقیق از گروه‌های اجتماعی (در خطر) که بر حسب زمان ممکن است بزه دیده یا بزهکار گردند، می‌باشد. باتوجه به توضیحات فوق در خلاصه کلام می‌توان گفت: پلیس با اعمال سیاست جنایی نوینی که همگام با دنیای امروز باشد و تدابیر انتظامی و امنیتی که در راستای اهداف بلند مدت خود یعنی توسعه امنیت پایدار به کار می‌بندد تنها به دنبال تثبیت جایگاه خود و برقراری هرچه بیشتر نظم و امنیت در سطح جامعه است. امید است که با برقراری ارتباطی منطقی میان سیاست جنایی و نقش پیشگیرانه پلیس که هر دو در یک مسیر در حال حرکت می‌باشند به جامعه‌ای ایده آل و آرمانی که خواسته همه دولت مردان و کشورها از جمله (کشور ایران) می‌باشد، دست یابد.

نظامی و تاکید بر حضور پررنگ‌تر و واکنش سریع به فعالیت‌های مجرمانه با هدف ایجاد آرامش است. اما در دهه‌های اخیر رویکردهایی همچو پلیس مبتنی بر حل مسئله، پلیس متمرکز بر مناطق جرم خیز و پلیس جامعه محور ظهور و در سازمانهای پلیسی جریان یافت که نقش آشکاری در کاهش جرم داشته است. پیشگیری مسئله محوری پلیس بر سه عنصر مطالعه، تحلیل و ارزشیابی تاکید دارد. مسئله محوری بر نیاز اتخاذ رویکردهای خلاقانه و طراحی شده برای موقعیت‌های خاص استوار است و تاکید دارد که فعالیت‌های جنایی یک اتفاق نیستند، بلکه مربوط به الگوهای رفتاری ریشه دار هستند. در پیشگیری پلیسی متمرکز بر مناطق جرم خیز، پلیس با تمرکز بر مناطق جرم خیز، گشت زنی متمرکز و مراقبت از مجرمین سابقه دار و مستعد ارتکاب بزه سعی نموده است پیشگیری از جرم را وارد مرحله‌ای نوین نماید که در آن پلیس، تمرکز خود را از اتکاء به ابزارهای سرکوبگر صرف، واکنش سریع و گشت تصادفی به تحلیل مسائل جنایی برای یافتن راهکارهای پیشگیرانه غیر سرکوبگر تغییر دهد. در پیشگیری انتظامی جامعه محور از جرم، پلیس علاوه بر بهره گیری از ابزارهای کیفری، از مشارکت نهادهای اجتماعی و دولتی برای کنترل عوامل مولد جرم استفاده می‌کند. (طالع زارع و دیگران: ۱۳۹۷:۱۴۵) به عنوان مثال در باب حجاب اخیر خیلی بدان پرداخته شده است: دو مقوله حجاب و امنیت اجتماعی همواره جزء مسائل راهبردی کشورهای اسلامی بوده است که در برخی از این کشورها مانند ایران بی‌حجابی را در قالب تظاهر به عمل حرام جرم انگاری کرده‌اند؛ در کنار آن در قالب طرح‌های امنیت اجتماعی گشت‌های ویژه پلیسی «گشت ارشاد» را برای کنترل و حفاظت این وضعیت فوق پیس بینی شده است، عملاً در روند اجرا نه‌تنها امنیت اجتماعی را به وجود نیاورده است بلکه باعث احساس تهدیدات اجتماعی متقابل شده است. سوالی که پیش می‌آید این است که اساساً ممکن است بر اساس آموزه‌های دینی در قالب رویکردهای پیشگیری از منظر جرم‌شناسی اسلامی با اصلاح رویکردهای گشت ارشاد تهدید متقابل بدحجابی بانوان را به فرصت تبدیل کنیم؟ به نظر نگارنده پاسخ مثبت است، با توجه به تجربیات گذشته باید در خصوص گشت ارشاد گذر از مدل پیشگیری واکنشی انتظامی جایگزینی پیشگیری کنشی و فعال در آموزه‌های پیشگیرانه جرم‌شناسی اسلامی همانند ترویج فرهنگ مدل اسلامی در مقابله با هجمه‌ها، اهدای هدیه حجاب بجای برخورد واکنشی و انتظامی و... می‌تواند؛ باعث شود تهدیدات متقابل پیش‌آمده به یک فرصت طلایی بر اساس معیارهای دینی در قالب رأفت اسلامی تبدیل گردد. (موسوی فرد: ۱۴۰۱:۱۴۵)

نتیجه گیری پژوهشی

پیشگیری از بزهکاری در میان جرم شناسان به دو صورت موسع و مضیق (عام و خاص) تعریف شده است، پیشگیری در مفهوم موسع شامل آن دسته از تدابیر و اقدام‌هایی است که از ارتکاب جرم جلوگیری می‌کند؛ بدین سان هر اقدام کیفری (واکنشی) یا غیر کیفری (کنشی) مطابق این تعریف در گستره پیشگیری از جرم جای می‌گیرد؛ اما مفهوم مضیق در برگیرنده مجموعه تدابیر و اقدام‌های غیر کیفری (کنشی) با هدف مقابله با بزهکاری از رهگذر کاهش یا از بین بردن علل جرم‌زا و نیز تاثیرگذاری بر موقعیتهای پیش جنایی است. به گونه‌ای که بتوان با استفاده از سازوکارهای منشی بر شخصیت افراد و موقعیت‌های پیش از ارتکاب جرم تأثیر گذاشت. بنابراین پیشگیری به طور کلی به دو صورت، پیشگیری کیفری (قهرآمیز، واکنشی) و غیر کیفری (غیر قهرآمیز، کنشی) انجام می‌شود. استراتژی‌های دقیق پیشگیری از جرم نه تنها از جرم و بزه دیدگی جلوگیری می‌کند بلکه به توسعه پایدار نیز کمک می‌کند.

تدوین روشهای پیشگیرانه را دو چندان خواهد نمود. «بنابراین پیشگیری از بزه کاری، صرفنظر از اشکال مختلف آن، مقید به رعایت مبانی نظری، اصول علمی و به ویژه معیارها و محدوده‌های حقوقی با توجه به نوع جرم، تیپ (گونه) بزهکاران، برنامه‌ها، روش‌ها و فنون مورد استفاده است. هدف پیشگیری نمی‌تواند کاربرد هر وسیله، فن یا اقدام و به ویژه کنارگذاری اصول عمومی حقوق را توجیه کرده و بهانه‌ای برای توسل به مقررات فوق العاده و روشهای خاص فراقانونی شود. در رویکردهای جدید مأموریت‌های ناجا تاکید بر مردمی بودن آن بسیار مورد تاکید فرماندهان آن واقع شده است. همراهی و همکاری مردم و گروه‌های اجتماعی با ناجا را بایستی ارتقاء داده و آنها را در کنار خود قرار دهیم و اگر این هنر را نداشته باشیم هر روز بار انتظامی ما افزوده خواهد شد؛ اگر هنر و توان همراه کردن مردم، نهادهای اجتماعی، سازمان‌ها و دستگاه‌ها را نداشته باشیم هر روز بر بار انتظامی پلیس افزوده خواهد شد. سرعت تغییرات اجتماعی بسیار گسترده است، اما مدیریت تغییرات متناسب نبوده و یک عقب ماندگی جدی را شاهد هستیم و اصطلاحاً تدابیر ما متناسب با تغییرات اجرا نمی‌شود، بین تدبیرات و تغییرات فاصله معناداری وجود دارد. همانطور که می‌دانیم بین سرمایه‌های مختلف انسانی، طبیعی و مادی، مالی، اقتصادی و اجتماعی جامعه شناسان معتقدند سرمایه اجتماعی نیروی محرکه سایر سرمایه‌ها محسوب

می‌شود. در قالب یک نتیجه عقلایی نیز اگر بخواهیم بحث کنیم با مشارکت بیشتر در این رویکردهای پلیسی که در قالب مأموریت‌های انتظامی و ستادی فراجا تعریف می‌شود براحتی می‌توانند با دو نتیجه ملموس را به دنبال بیاورد که به شرح ذیل است:

اولاً: نتایج اقدامات مشارکتی مردم مدار ملموس‌تر خواهد بود؛

ثانیاً: هزینه‌های تمام شده اقدامات پلیسی در قالب مأموریت‌های ترسیمی کاهش خواهد یافت. پس فراجا باید در برنامه ریزی‌های خود در فعالیتهای سازمانی در قالب مأموریت‌ها حداکثر تلاش خود را برای مشارکتی‌تر کردن آن صورت دهد تا نوعاً نتایج ملموس‌تر با هزینه کمتری به همراه داشته باشد. تحقیقات جدیدی که بعمل آمده است؛ نشان می‌دهد رابطه معناداری بین سرمایه اجتماعی، فرهنگ عمومی، تعامل پلیس، سازمان مردم نهاد، پلیس جامعه محور، آموزش همگانی، عام‌گرایی و خاص‌گرایی، آموزش کارکنان و فرهنگ سازمانی وجود دارد. بیشترین تأثیر بر متغیر وابسته (مشارکت) مربوط به متغیر سازمان‌های مردم نهاد می‌باشد.

فهرست منابع و مآخذ

- انصاری، حمید (۱۳۸۲) نظریه‌های مشارکت، جزوه درسی کارشناسی‌ارشد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- هادی، صلاح‌الدین، (۱۳۹۴)، بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر مشارکت شهروندان با پلیس در جهت حفظ نظم و امنیت مطالعه موردی: شهروندان شهرستان ارومیه در سال ۱۳۹۳، **کنفرانس بین‌المللی رویکردهای نوین در علوم انسانی**، <https://civilica.com/doc/439557>.
- بیات، بهرام، پیری، فردین. (۱۳۹۹). محیط‌شناسی نقش مشارکت مردمی در امنیت عمومی کشور. **فصلنامه پژوهش‌های حفاظتی و امنیتی**، ۹(۳۳).
- احمدی، محمدی، خالدیان، یعقوب، امید، محمد (۱۳۹۶)؛ مؤلفه‌های اجتماعی- فرهنگی و مشارکت محوری مردم و پلیس؛ **فصلنامه انتظام اجتماعی**، ۹(۲).
- ابراهیمی، سیدعباس، عین‌علی، محسن. (۱۴۰۰). بررسی میزان مشارکت شهروندان در توسعه نظم و امنیت عمومی (مورد مطالعه: شهروندان شهر سمنان). **فصلنامه علمی دانش انتظامی سمنان**، ۱۱(۳)

- معروفی، محسن، خانی، اسعد، هزار جریبی، جعفر. (۱۳۹۷). بررسی مشارکت شهروندان در برقراری نظم و امنیت شهری و عوامل مرتبط با آن نمونه موردی: شهر ارومیه. **فصلنامه پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران**، ۷(۳).

-سلطانی بهرام، سعید، دانش، لیلا، علی‌نژاد، رقیه. (۱۳۹۴). مطالعه نقش پیشگیری انتظامی از جرم بر احساس امنیت شهروندان تبریزی. **فصلنامه مطالعات جامعه‌شناسی**، ۸(۲۹).

-مهدوی، محمود، الهی، فرشاد. (۱۴۰۰). تحول رویکردهای پیشگیرانه پلیس از سنتی تا جامعه‌محور. **فصلنامه علمی رهیافت پیشگیری از جرم**، ۴(۲).

-طالع زاری، علی، گلدوزیان، ایرج، ابراهیمی، نصیبه. (۱۳۹۷). کارکردشناسی تحولات پلیس در زمینه پیشگیری از جرم. **مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی**، ۴۸(۱).

-موسوی فرد، سیدمحمدرضا. (۱۴۰۱). جستاری بر اساس نظریه تهدید اجتماعی گشت ارشاد تبدیل آن به فرصت نسبت به بانوان بدحجاب از منظر پیشگیری کنشی و فعال در آموزه‌های جرم‌شناسی اسلامی. **فصلنامه حقوق قضایی**، ۳۰(۳۴).

- ابارگر، حسین و صفری کاکرودی، عابدین. (۱۳۸۸). نقش بنیادین ضرورت در مأموریت‌های پلیس، مجموعه مقالات همایشی، <https://civilica.com/doc/۱۳۰۱۲۱۸>.



Examining the interaction between the police and the public with an emphasis on the crime prevention mission of the police

Authors:

Maryam aghaee, zahra shamcizad

Abstract

In this article, with a descriptive and analytical approach of documentary method, we are looking for the question of whether it is possible to have two-way interaction with people in the form of crime prevention approaches and missions. It seems that the answer to this question is positive because the presence of the police is one of the necessary things in today's societies, which is directly related to public order. Most of the police actions are also prioritized and formed based on a series of necessities. In the new approaches of Faraja's missions, the emphasis on its popularity has been emphasized by its commanders. It seems that if this interactivity is prevalent in Faraja's preventive mission areas, while Faraja's work efficiency has been achieved at a much lower cost, it has resulted in public satisfaction. and public and social security will be improved. research findings; It shows that there is a significant relationship between social capital, public culture, police interaction, non-governmental organizations, community-oriented police, public education, etc.

Keywords: Crime, prevention, police, interactivity